

The Basis of Civil Liability Arising from the Manufacture and Supply of Toys

Sepideh Ghodrati¹
Hojjat Mobayen²
Haniyeh Zakerinia³

Abstract

The widespread effects of toys, on the one hand, and the sensitive users of such products, on the other, have led to the preparation of regulations, rules, and standards in toy manufacture and supply. Therefore, it is significant to investigate the civil liability arising from the production and supply of toys. One of the main issues that affect all aspects of civil liability lawsuits is identifying the appropriate basis for holding the toy manufacturer or supplier, responsible in case of damage to the consumer. This article intends to explain the most appropriate basis for the responsibility of the toy manufacturer and supplier by analyzing the various bases of responsibility presented in the form of different theories. Considering the types of damages caused by the production and supply of toys, choosing a single basis for all is not appropriate. Therefore, regarding physical damages caused by toys, the “strict liability” of toy manufacturers and suppliers is suggested in the manner of jointly. For moral damages, as well as damages to third parties, the “Imputability theory” is the most appropriate; because it guarantees the victim's rights by not needing to prove the fault of the person causing the damage, facilitates the civil liability lawsuit, and does not limit the way of innovation in the production and presentation of new toys.

Keywords: Toys, Civil Liability, Manufacturer, Supplier, Imputability Theory.

-
- 1- Faculty of Law and Political Sciences Shiraz University, Shiraz, Iran
sepideh2266@yahoo.com
- 2- Faculty of Law and Political Sciences Shiraz University, Shiraz, Iran
hojjat.mobayen@gmail.com
- 3- Faculty of Law and Political Sciences Shiraz University, Shiraz, Iran
h.zakerinia@gmail.com

مبنای مسئولیت مدنی ناشی از تولید و عرضه اسباب‌بازی

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۶/۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۸

سپیده قدرتی^۱

حجت مبین^{۲*}

حانیه ذاکری‌نیا^۳

چکیده

تأثیرات گسترده اسباب‌بازی از یکسو و مخاطب حساس این‌گونه محصولات از سوی دیگر موجب گردیده که مقررات، ضوابط و استانداردهایی در زمینه تولید و عرضه اسباب‌بازی تهیه گردد؛ لذا بررسی مسئولیت مدنی ناشی از تولید و عرضه اسباب‌بازی، اهمیت می‌یابد. از مهمترین مسائل در این عرصه که بر همه ابعاد دعاوی مسئولیت مدنی تأثیرگذار است، شناسایی مبنای مناسب جهت مسئول شناختن تولیدکننده یا عرضه‌کننده اسباب‌بازی، در صورت ورود آسیب به مصرف‌کننده است. این مقاله در نظر دارد با واکاوی مبنای متعدد مسئولیت که در قالب نظریه‌های مختلف ارائه شده است، سزاوارترین مبنا در مسئولیت تولیدکننده و عرضه‌کننده اسباب‌بازی را تبیین نماید. با توجه به انواع خسارات ناشی از تولید و عرضه اسباب‌بازی به نظر می‌رسد، نمی‌توان مبنای واحدی را برای انواع این خسارات برگزید؛ لذا در خصوص خسارات جسمی ناشی از اسباب‌بازی، مسئولیت محض تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان اسباب‌بازی به نحو تضامن پیشنهاد می‌شود و در خصوص خسارات معنوی و نیز خسارات وارد به اشخاص ثالث، نظریه قابلیت استناد به‌عنوان مناسب‌ترین مبنای مسئولیت، معرفی می‌گردد؛ چراکه با بی‌نیاز دانستن زیان‌دیده از اثبات تقصیر واردکننده زیان و تسهیل دعوی مسئولیت مدنی، حقوق وی را تضمین نموده و راه نوآوری در تولید و ارائه اسباب‌بازی‌های جدید نیز محدود نمی‌گردد.

واژگان کلیدی

اسباب‌بازی، مسئولیت مدنی، تولیدکننده، عرضه‌کننده، نظریه قابلیت استناد.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
alireza9531300@gmail.com

۲. استادیار، حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
hojjat.mobayen@gmail.com

۳. استادیار، حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
h.zakerinia@gmail.com

مقدمه

اسباب‌بازی‌ها از جمله مهمترین وسایلی هستند که کودکان با آن سروکار دارند. اسباب‌بازی‌ها نه تنها وسیله سرگرمی کودکان به‌شمار می‌روند بلکه نقش عمده‌ای در شکل‌گیری شخصیت آنها داشته و تأثیرات مثبت و منفی بر سلامت جسم، روان، افکار، اعمال، خلاقیت و نوآوری آنها می‌گذارند. کودکان اغلب در به‌کارگیری اسباب‌بازی توانایی خود را به چالش می‌کشند، ولی نسبت به شناسایی خطرهای بالقوه که درگیر آن می‌شوند، عاجزند (Tansey: 4). همین امر ایجاب می‌کند که تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان این وسایل، ضوابط و اصول خاصی را در طراحی، ساخت و ارائه اسباب‌بازی‌ها به‌کار گیرند؛ سلامت و خطرناک نبودن مواد به‌کار رفته، نوع و شکل متناسب با فرهنگ جامعه، مقررات ایمنی و نصب اسباب‌بازی‌ها، اموری است که باید لحاظ گردد. اگر این نکات رعایت نگردد و صدماتی به کودک و خانواده وی وارد آید، ازجمله اینکه مواد به‌کار رفته در اسباب‌بازی سمی و خطرناک بوده یا اثرهای مخربی بر روح و روان کودک به‌جای گذاشته و باعث پرخاشگری، خشونت، اضطراب، ترس و ... او گردد، مهمترین مسئله، شناسایی مسئول یا مسئولان ایجاد و جبران این خسارات می‌باشد. قدر مسلم نقض قواعد و استانداردهای تولید و عرضه اسباب‌بازی از سوی تولیدکننده و عرضه‌کننده قابل اغماض نیست؛ اما سؤال اساسی این است که مبنای مسئولیت مدنی تولیدکننده و یا عرضه‌کننده اسباب‌بازی چیست؟ آیا اثبات تقصیر، شرط ضروری مسئولیت این اشخاص است یا اینکه می‌توان برای آنها مسئولیت بدون تقصیر در نظر گرفت؟ و اگر پاسخ مثبت است، مبنای توجیه‌کننده مسئولیت بدون تقصیر چیست؟ آیا اگر کودک تحت تأثیر این اسباب‌بازی خساراتی به دیگران وارد نماید، تولیدکننده یا عرضه‌کننده مسئول است؟ یا کودک و خانواده او هم مسئولیتی دارند؟ این مسائل اقتضا دارد، موضوع مسئولیت مدنی تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان اسباب‌بازی‌ها به‌دقت بررسی شود. به‌نظر می‌رسد که استفاده از قواعد عمومی مسئولیت - علی‌رغم ضرورت مباحثه عمیق حقوقی مرتبط - در این زمینه راهگشا نیست و ضروری است که قواعد ویژه‌ای در خصوص این مسئولیت پیش‌بینی شود. پیش از این، در عرصه مسئولیت مدنی مرتبط با اسباب‌بازی‌ها، مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی

تعهد ایمنی و مسئولیت مدنی نسبت به اسباب‌بازی» نگاشته شده است که نویسندگان به‌طور تطبیقی و با تأکید بر تعهد ایمنی به این مسئله پرداخته‌اند؛ درحالی‌که تبیین مسئولیت تولید و عرضه اسباب‌بازی بر مبنای مسئولیت قراردادی (تعهد به ایمنی) نمی‌تواند تمام ابعاد این مسئولیت را توجیه و تشریح نموده و حمایت لازم از کودکان را به انجام رساند؛ از این‌رو ضروری است، مبنای مسئولیت ناشی از تولید و عرضه اسباب‌بازی به‌عنوان یک موضوع مستقل، مورد مطالعه قرار گیرد.

۱. اسباب‌بازی

۱-۱. مفهوم و ویژگی‌های اسباب‌بازی

بازی فعالیتی مهم و ضروری در تمام مراحل رشد اولیه کودک است و می‌تواند به رشد طبیعی کودک از جهات مختلف فیزیکی، عاطفی و هوشی کمک کند. از منظر فیزیکی، بخش عمده تحریک و تحرکات کودک از طریق بازی به‌دست می‌آید. اسباب‌بازی‌ها با رنگ، صدا یا حرکت خود، کودک را در جهت دسترسی به محیط خارج تحریک می‌کند و بخش عمده بازی کودکان را شکل می‌دهند (طباطبایی‌نیا، ۱۳۶۶، ص. ۳۳) از نظر لغوی، «اسباب‌بازی»، وسیله‌ای است که به‌صورت‌های مختلف ساخته می‌شود تا کودک با آن بازی کند (عمید، ۱۳۶۵، ص. ۱۵۴). اسباب‌بازی‌ها مجموعه‌ای از اشیاء هستند که علاوه بر زیبایی بخشی به محیط و سرگرم کردن کودک، می‌توانند به‌عنوان ماده یا وسیله‌ای برای فعالیت‌های ساختمانی، افزایش تحریکات عمومی و شرکت فعالانه در کارها و نیز برای تأکید اهداف ادراکی، درمانی، آموزشی و تشخیصی استفاده شوند (طباطبایی‌نیا، ۱۳۶۶، ص. ۳۵). نقش اسباب‌بازی تنها سرگرم نمودن و ساکت نگاه داشتن کودک نیست؛ اسباب‌بازی، می‌تواند دوست و مربی کودک باشد؛ و در عین آنکه، کودک را با دنیای پیرامون آشنا می‌کند، او را از گزند پیشامدهای ناگوار به دور نگاه دارد و دنیای ویژه‌ای برای وی فراهم کند تا به کمک آن، خود را بسازد. درواقع با استفاده صحیح از اسباب‌بازی، می‌توان به رشد همه‌جانبه کودک کمک کرده و او را برای زندگی آینده پروراند (شهرآرای، ۱۳۶۲، ص. ۳).

از منظر روان‌شناسان، اسباب‌بازی مناسب معیارهایی دارد که توجه به آنها در حیطه

مسئولیت تولیدکننده نیز حائز اهمیت است. نخست، توجه به نیازمندی‌ها و ذوق کودک متناسب با سن وی (خلیلیان، ۱۳۶۷، صص. ۱۰۶ و ۱۰۵)؛ دوم، سازگار بودن ساختار و کارکرد اسباب‌بازی با اصول اخلاقی، آموزشی، تربیتی، آداب و رسوم، ارزش‌ها و باورهای دینی و اجتماعی و فرهنگی بومی؛ سوم، تناسب اسباب‌بازی با ویژگی‌های فطری، روانی و جسمی کودک (عاملی برای آرامش روانی کودک)؛^۴ چهارم، پرورش خلاقیت کودک؛ پنجم، نزدیکی به واقعیت در جهت آشنایی کودک با زندگی از راه بازی (شهرآرای، ۱۳۶۲، ص. ۴)؛ ششم بسته‌بندی مناسب اسباب‌بازی.^۵ بهداشت و ایمنی معیار مهم دیگری است که علاوه بر سازندگان، والدین و مربیان نیز باید به آن توجه نمایند؛ چراکه هر اسباب‌بازی برای سن معینی از مرحله رشد کودک ساخته شده که در صورت مناسب نبودن و استفاده نادرست از آن، احتمال خطر را افزایش می‌دهد.

۱-۲. انواع اسباب‌بازی

اسباب و وسایل بازی بر حسب دامنه کار و موقعیت یادگیری به دو دسته عمده تقسیم می‌گردند (طباطبایی نیا، ۱۳۶۶، ص. ۴۴)؛ سازمان‌یافته (محدود)؛ و سازمان‌نیافته (نامحدود). علاوه بر این دو دسته، اسباب‌بازی‌ها و تجهیزات موجود در شهربازی‌ها نیز به‌عنوان گونه

۴. بند ۱-۳ بخش اول معیارهای اسباب‌بازی مناسب برای کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۴/۱۲/۹ شورای نظارت بر اسباب‌بازی.

۵. بند ۶ بخش اول معیارهای اسباب‌بازی مناسب برای کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۴/۱۲/۹ شورای نظارت بر اسباب‌بازی.

۶. باید دارای ویژگی‌هایی باشد از جمله: زیبایی و جذابیت و متناسب بودن اندازه و ابعاد آن با اسباب‌بازی، قابلیت بازیافت، متناسب بودن باز و بسته کردن آن با دوره‌های سنی کودکان، استفاده نکردن از مواد و رنگ‌های مضر برای کودکان در ساخت آن‌ها، دارا بودن علائم هشدار ایمنی، قید شدن موارد ضروری همچون (جنسیت استفاده‌کننده، فضای بازی، نحوه نظارت، گروه سنی، آدرس تولیدکننده، شماره مجوزها، تأییدیه‌ها و...) روی بسته‌بندی؛ البته اسامی، عبارات و علائم به‌کار رفته در بسته‌بندی اسباب‌بازی‌هایی که در داخل کشور توزیع می‌شوند بایستی به خط و زبان فارسی باشد و از اسامی و عبارات غیرمناسب با فرهنگ اسلامی و ایرانی استفاده نگردد (بند ۱ بخش دوم معیارهای اسباب‌بازی مناسب برای کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۴/۱۲/۹ شورای نظارت بر اسباب‌بازی).

سوم بررسی می‌شوند.

۱-۲-۱. سازمان‌یافته (محدود)

اسباب و اشیای این گروه، شکل مشخص و از پیش تعیین‌شده‌ای دارند و دامنه کار آنها محدود است و راه را برای ابتکار و خلاقیت کودک بازمی‌گذارند. کودک مجبور به فراگیری موقعیت مخصوص هر وسیله است. این وسایل به شش گروه تقسیم می‌گردند: ۱. اسباب‌بازی‌های ویژه اطفال (شامل موبیل (طباطبایی‌نیا، ۱۳۶۶، صص. ۴۸-۴۹)، کرادل (طباطبایی‌نیا، ۱۳۶۶، ص. ۵۲)، دانگ لینگ (اسباب‌بازی‌های آویزانی) و ججغه (طباطبایی‌نیا، ۱۳۶۶، صص. ۵۲-۵۳)؛ ۲. اسباب‌بازی‌های موجب جلب توجه کودک؛^۷ ۳. اسباب‌بازی‌های موجد و تقویت‌کننده تحرک؛ ۴. اسباب‌بازی‌های تقویت‌کننده مهارت‌های دستی و هماهنگی چشم و دست (طباطبایی‌نیا، ۱۳۶۶، صص. ۶۶-۶۹)؛ ۵. اسباب‌بازی‌هایی تقویت‌کننده قوه تمیز و تشخیص کودک (طباطبایی‌نیا، ۱۳۶۶، صص. ۷۳، ۷۸، ۸۰ و ۸۲)؛ ۶. اسباب‌بازی‌های تقویت‌کننده قدرت تکلم و بیان کودک (فاز مکانیکی گفتار) ساز دهنی، بادکنک و توپ بادکنکی، سوتک و ملودیکا) و فاز غیرمکانیکی گفتار (دومینو، لوتو، پازل و کارت‌های قصه‌گو، کتاب‌های تصویری) (طباطبایی‌نیا، ۱۳۶۶: ۱۲ تا ۹۲).

۲-۲-۱. سازمان‌نیافته (نامحدود)

اسباب و وسایلی که در این طبقه قرار می‌گیرند، شکل از پیش تعیین‌شده‌ای ندارند و کودک می‌تواند چیزهای نوین و تازه‌ای بیافریند و برخلاف گروه قبل، موقعیت یادگیری متفاوتی دارند و راه را برای ابتکار وی بازمی‌گذارند و به سه دسته عمده تقسیم می‌شود: اسباب‌بازی‌های ساختمانی (لگوها، مکعب‌های چوبی، آجرهای چوبی)، بازی‌های خلاقه (نقاشی، مدارنگی، گچ، خمیر، موم و سایر موادی که می‌توان با آنها صنایع دستی ساخت)، بازی‌های تصویری (عروسک، انواع خمیر بازی و...) (طباطبایی‌نیا، ۱۳۶۶، صص. ۱۰۵-۱۲۶).

۷. در این قبیل وسایل کودک نیاز به عملیات فکری و ذهنی ندارد و فقط می‌توانند حواس ذهنی وی را متمرکز سازند (طباطبایی‌نیا، ۱۳۶۶: ۵۶-۵۷).

مسئله مهم قابل طرح در اینجا این است که آیا نرم‌افزارها و بازی‌های رایانه‌ای نیز در قلمرو اسباب‌بازی‌ها قرار می‌گیرند؟ مطابق تعریف اتاق بازرگانی آمریکا «صنعت اسباب‌بازی شامل مؤسساتی هستند که در تولید عروسک‌ها، لباس و قطعات عروسک‌ها، شخصیت‌های اکشن و اسباب‌بازی‌های پر شده فعالیت دارند. همچنین مؤسساتی را شامل می‌شوند که بازی‌ها و مجموعه بازی‌هایی برای بزرگسالان و کودکان و نیز اسباب‌بازی‌های مکانیکی و غیرمکانیکی را تولید می‌نمایند. سازندگان بازی‌های رایانه‌ای و ویدئویی مشمول این بازار نمی‌باشند»^۸؛ لذا با توجه به ویژگی‌های خاص بازی‌های رایانه‌ای و ویدئویی و همچنین مسائل و ابعاد حقوقی خاص ناظر به آنها، به نظر می‌رسد که ضروری است، بازی‌های رایانه‌ای از عنوان اسباب‌بازی متمایز شده و به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.

۳.۲.۱. اسباب‌بازی‌ها و تجهیزات موجود در شهربازی‌ها

تجهیزات و دستگاه‌هایی که در شهربازی‌ها وجود دارند از قبیل ترن هوایی^۹، سواری سورتمه آبی^{۱۰}، سواری سورتمه زمینی^{۱۱}، قطار و سرسره آبی و...، گونه دیگر اسباب‌بازی‌ها هستند^{۱۲} که مورد استفاده کودکان، نوجوانان و حتی بزرگسالان قرار می‌گیرد. موضوع مسئولیت مدنی در خصوص این اسباب‌بازی‌ها، بیشتر ناظر به آسیب‌هایی است که ممکن است در حین بازی با آنها، به ناحیه سر، صورت، گردن، دست‌ها، پاها و بازوها وارد آید. همچنین اسباب‌بازی‌هایی همچون تونل وحشت قابلیت ایجاد لطمات روحی همچون اضطراب، ترس و وحشت دارند. به علاوه، نقص فنی دستگاه‌های شهربازی، می‌تواند مشکلاتی همانند آسیب‌های قلبی و یا افزایش فشار خون برای افراد دارای زمینه بیماری، مشکلات نخاعی و حتی گاهی مرگ را به دنبال داشته باشد. با توجه به استفاده

8. U.S. Department of Commerce Industry Report Dolls, Toys, Games, and Children's Vehicles NAICS Code 33993

9. Roller coaster

10. Toboggan ride (aquatic)

11. Toboggan ride (land_based)

۱۲. مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، شماره استاندارد ایران ۲-۸۹۸۷، وسایل و سواری‌های

تفریحی (تجهیزات شهربازی) قسمت ۲: بهره‌برداری، تعمیر و نگهداری، تجدیدنظر اول، صص ۹ و ۸.

گسترده کودکان و نوجوانان از اسباب‌بازی‌های مذکور از یک‌سو، و خطرهای استفاده از آنها از سوی دیگر، استانداردهایی از قبیل: استاندارد ملی ایران شماره ۸۹۸۷-۱ (وسایل تفریحی شهر بازی - قسمت ۱: طراحی و ساخت)، شماره ۸۹۸۷-۲ (وسایل شهر بازی قسمت ۲: بهره‌برداری، تعمیر و نگهداری)، شماره ۸۹۸۷-۳ (وسایل تفریحی شهر بازی قسمت ۳: بازرسی حین بهره‌برداری) و شماره ۱۱۳۸۹ (تجهیزات شهر بازی - تجهیزات بادی و الزامات ایمنی و روش‌های آزمون) توسط مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران تهیه شده که بایستی توسط تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان این نوع اسباب‌بازی‌ها رعایت شوند. مسئولیت مدنی ناشی از این دسته از اسباب‌بازی‌ها نیز قابل توجه است.

۲-۳. اشخاص دخیل در صنعت اسباب‌بازی

در فرایند تولید و عرضه اسباب‌بازی، اشخاص متفاوتی از زمان تولید تا مصرف اسباب‌بازی نقش دارند که عبارت‌اند از: تولیدکنندگان، نمایندگان مجاز، واردکنندگان، توزیع‌کنندگان.

تولیدکننده: عبارت است از هر شخص حقیقی یا حقوقی که اسباب‌بازی را تولید و یا اسباب‌بازی‌هایی که طراحی و تولید شده‌اند را با نام و علامت تجاری خود به بازار عرضه می‌نماید.^{۱۳} دارنده نام یا علامت تجاری که یک اسباب‌بازی را به بازار عرضه می‌نماید، اگر مسئول شناخته شود، پس از جبران خسارت مصرف‌کننده، با وجود شرایط مسئولیت مدنی، می‌تواند به طرف قرارداد خود (در تولید، طراحی و اجرا) مراجعه نماید (السان و دیگران، ۱۳۹۳، ص. ۱۲۲).

نماینده مجاز: به شخصی اطلاق می‌گردد که نمایندگی کتبی از تولیدکننده دارد. الزام‌هایی از قبیل ترجمه نوشته‌های روی بسته‌بندی یا روی اسباب‌بازی به زبان کشور مقصد و بیان هشدارهای ضروری را می‌توان به عهده وی دانست (السان و دیگران، ۱۳۹۳، ص. ۱۲۳).

واردکننده: برخلاف نمایندگی مجاز، واردکننده با تولیدکننده هیچ رابطه مقدم و مرجعی ندارد؛ بنابراین، اگر هیچ‌یک از تولیدکننده و نماینده مجاز در کشور میزبان مستقر نباشند،

13. Article 3, Number 3, Toy safety directive 2009/48/EC, Technical document, Directorate General for Internal Market, Industry, Entrepreneurship and SMEs, Version 1.5, 22/02/2016, p 18

واردکننده در ارائه اسباب‌بازی مسئول شناخته می‌شود؛ لذا باید اطلاعات مرتبط با بازرسی و نظارت توسط دستگاه‌های اجرایی را نگاه دارد و نام و جزئیات آدرسش بایستی بر روی اسباب‌بازی درج شده و یا به همراه آن، ظاهر و مشخص باشد.^{۱۴}

توزیع‌کننده: هر شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی، غیر از تولیدکننده یا واردکننده که در زنجیره تهیه و رسیدن اسباب‌بازی به دست مصرف‌کننده، به‌عنوان عمده‌فروش یا خرده‌فروش نقش داشته و اسباب‌بازی‌ها را در بازار قابل دسترس می‌سازد.^{۱۵}

عرضه‌کننده: مطابق بند ۲ ماده ۱ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، عرضه‌کنندگان کالا و خدمات «کلیه تولیدکنندگان، واردکنندگان، توزیع‌کنندگان، و فروشندگان کالا و ارائه‌کنندگان خدمات اعم از فنی و حرفه‌ای و همچنین کلیه دستگاه‌ها، مؤسسات و شرکت‌هایی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر یا تصریح نام است و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم و به‌صورت کلی یا جزئی کالا یا خدمت به مصرف‌کننده ارائه می‌نمایند». این در حالی است که بعد از چنین تعریف گسترده‌ای از عرضه‌کنندگان کالا و خدمات، در ماده ۲۰ قانون مذکور عرضه‌کننده غیر از تولیدکننده و فروشنده دانسته شده و هر سه واژه در کنار هم به‌کار رفته است؛ بنابراین مشخص نیست که اگر عرضه‌کننده، تولیدکننده و فروشنده را دربرگیرد، چه اشخاصی را دربرمی‌گیرد (السان و دیگران، ۱۳۹۳، ص. ۱۲۴). در دستورالعمل ایمنی اسباب‌بازی اتحادیه اروپا، عرضه‌کننده علاوه بر واردکننده و تولیدکننده، شامل طیف وسیعی از اشخاص ارائه‌دهنده اسباب‌بازی می‌گردد. اعم از اشخاصی که اسباب‌بازی‌ها را به‌طور عمده به فروشگاه‌های اسباب‌بازی عرضه می‌نمایند؛ فروشندگانی که اسباب‌بازی‌ها را به‌طور مستقیم به دست مصرف‌کننده (کودک) رسانده؛ و همچنین اشخاصی که مسئول نصب و تعمیر و یا به راه‌اندازی وسایل موجود در پارک‌ها و دستگاه‌ها و تجهیزات بازی در شهربازی‌ها می‌باشند. با توجه به اینکه اصولاً اصطلاح

14. Products Standards Toy Safety, Guidance Notes on the UK Toys (Safety) Regulations 1995, February 2000, P 21

واردکننده نباید اسباب‌بازی را وارد بازار نماید مگر اینکه اسباب‌بازی برای یک دوره مصرف معمول و قابل پیش‌بینی با مقررات ضروری ایمنی مطابق باشد: Consumer Protection the Toy (Safety) Regulation, 2011 no. 1881, P 9

15. Article 3, Number 6, Toy safety directive 2009/48/EC, Technical document, 10/02/2016, p 18

«عرضه‌کننده» در کنار «تولیدکننده» به‌کار می‌رود، به‌نظر می‌رسد که عرضه‌کننده در معنای خاص، همه اشخاص حاضر در زنجیره عرضه، به‌جز تولیدکننده را دربرمی‌گیرد؛ در این مقاله «عرضه‌کننده» در این معنا به‌کار رفته است.

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، شورای نظارت بر اسباب‌بازی^{۱۶} و مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، سه نهاد اصلی فعال، تأثیرگذار و واضع مقررات در زمینه اسباب‌بازی می‌باشند.

۳. واکاوی نظریات مختلف در تبیین مبنای مسئولیت مدنی در تولید و عرضه اسباب‌بازی

آن‌گونه که آمد نخستین گام در عرصه‌ی مسئولیت مدنی تولیدکنندگان، واردکنندگان و عرضه‌کنندگان اسباب‌بازی، تشخیص این مساله است که مسئولیت این اشخاص بر چه اساس و مبنایی استوار شده و مطابق با کدامیک از نظریه‌های ارائه شده در مورد مبنای مسئولیت مدنی، می‌توان این مسئولیت را توجیه نمود.

۳-۱. نظریه تقصیر

بر اساس نظریه تقصیر، عاملی که می‌تواند مسئولیت تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان اسباب‌بازی را نسبت به کودکان و خانواده آنها توجیه نماید، تقصیری است که باعث ورود خسارات به کودکان شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص. ۱۷۴). با توجه به تعاریف گوناگون از تقصیر، تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان اسباب‌بازی زمانی در معرض تقصیر هستند که از تعهد و تکلیف قانونی مقرر شده خود در قبال کودک، و عملکرد متعارف در این زمینه،

۱۶. فعالیت‌های شورای نظارت بر ساخت، طراحی، واردات و توزیع اسباب‌بازی در سه بخش واحد ثبت طرح و صدور مجوز اسباب‌بازی، دبیرخانه، پژوهشی و اطلاع‌رسانی است.

ضوابط ناظر بر ثبت طرح و صدور مجوز (ساخت و واردات و صادرات) در اجرای ماده ۴ اساسنامه و مواد ۱۳ و ۱۴ آیین اجرایی شورای نظارت بر اسباب‌بازی، با توجه به دو اصل حمایت از تولید داخلی و عدم ایجاد آسیب فرهنگی، ضوابط مذکور در یک مقدمه، ۸ ماده و یک تبصره در یازدهمین جلسه شورای نظارت بر اسباب‌بازی مورخ ۱۳۸۰/۵/۳۰ مورد تصویب قرار گرفت.

تخطی و تجاوز کنند و اسباب‌بازی نامناسب یا زیان‌باری را تولید و عرضه نمایند (قاسم‌زاده، ۱۳۸۷، ص. ۲۶). در حقوق ایران تعهدات و تکالیفی که تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان اسباب‌بازی در قبال کودک به عهده دارند و فعالیت‌هایی که بایستی در جهت حمایت آن‌ها انجام دهند، در بندهای نه‌گانه ماده ۴ اساسنامه شورای نظارت بر ساخت، طراحی، واردات، و توزیع اسباب‌بازی کودکان مصوب ۱۳۷۷/۴/۱۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی آمده است. همچنین طبق مصوبه شورای نظارت بر اسباب‌بازی، معیارهایی جهت ساخت و طراحی اسباب‌بازی مناسب برای کودکان و نوجوانان، در سه بخش مشخصات عمومی، معیارهای ایمنی و استاندارد و معیارهای بسته‌بندی ذکر گردیده است. همچنین، استانداردهایی در زمینه ساخت و طراحی اسباب‌بازی اعم از ثابت یا متحرک، اسباب‌بازی‌های همراه کودک در منزل و مهدکودک و ...، و اسباب‌بازی‌های موجود در پارک‌ها و شهربازی‌ها، تدوین و منتشر شده است؛ بنابراین اگر طراحان، سازندگان و عرضه‌کنندگان اسباب‌بازی، هر یک از تعهدات، تکالیف، مقررات و قوانینی که بیان گردید را رعایت ننمایند و در انجام آن‌ها کوتاهی ورزند و یا دقت و احتیاط لازم را در این زمینه نداشته باشند و سهل‌انگاری نمایند، در نتیجه اسباب‌بازی خطرناک و غیراستاندارد و نامناسب تولید و ارائه کنند و از این رهگذر به کودک خسارت وارد آید، به دلیل تقصیری، مسئول می‌باشند.

به‌موجب این نظریه، کودک متضرر و والدینش به‌عنوان مدعی، صرفاً با اثبات تقصیر تولیدکننده و عرضه‌کننده اسباب‌بازی در ایجاد خسارت، می‌توانند خواستار جبران خسارت شوند (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص. ۱۷۵). اگر نظریه تقصیر شخصی به‌عنوان ملاک مسئولیت تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان اسباب‌بازی در نظر گرفته شود، اولاً از آنجا در نظریه تقصیر، بار اثبات تقصیر بر عهده زیان‌دیده (مدعی) است و با توجه به اینکه اثبات تقصیر تولیدکننده یا عرضه‌کننده برای خانواده کودک زیان‌دیده اصولاً بسیار دشوار است، اعمال نظریه تقصیر موجب خواهد شد که در عمده موارد حق کودک تضییع گردد (باریکو، ۱۳۸۷، ص. ۴۴)؛ ثانیاً این نظریه، با نیازهای حقوقی جامعه صنعتی همخوانی ندارد؛ چراکه تقصیر شخصی اصولاً نمی‌تواند مسئولیت ناشی از فعل غیر از جمله مسئولیت کارفرما ناشی از فعل کارگر را توجیه نماید؛ زیرا کارفرمایان با ایجاد کارخانه و استخدام کارگران - جز در

فرض اثبات به‌کارگیری کارگر غیرمتخصص و یا اثبات عدم نظارت بر عملکرد وی - اصولاً دچار عمل قابل سرزنشی نشده‌اند (باریکو، ۱۳۸۷، ص. ۴۵): در حالی که بر اساس اصول پذیرفته شده در نظام حقوق امروز، کارفرمایان در تولید اسباب‌بازی بایستی پاسخگوی خسارات ناشی از عمل کارگران خود باشند. مطابق نظریه تقصیر نوعی، تقصیر خوانده براساس عملکرد تولیدکننده و عرضه‌کننده اسباب‌بازی متعارف و در شرایط مشابه با وی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (مازو، به نقل از باریکو، ۱۳۸۷، ص. ۴۹؛ ۱۳۸۷، ص. ۵۰) هر چند که استفاده از نظریه تقصیر نوعی، تا حدودی ایرادهای نظریه تقصیر را تسهیل می‌نماید؛ لیکن مشکل اصلی یعنی تحمیل بار اثبات تقصیر به خواهان، همچنان وجود دارد. چه اینکه آسیب دیده از اسباب‌بازی، اصولاً کودکی است که نیاز به حمایت دارد.

۲-۳. نظریه خطر

براساس نظریه خطر که شامل دو وجه نفی‌کننده (عدم نقش تقصیر) و اثبات‌کننده (مسئولیت و پاسخگویی تولیدکننده و عرضه‌کننده در برابر اعمال خویش - مقصر یا غیرمقصر) می‌باشد، صرف انجام عمل زیانبار که به تولید و عرضه اسباب‌بازی زیانبار منتهی گردیده، باعث مسئولیت عامل آن می‌شود و ثبوت یا اثبات تقصیر در ایجاد مسئولیت مدنی لزومی ندارد (باریکو، ۱۳۸۷، صص. ۴۵-۴۶). بدین ترتیب، دعوای جبران خسارت آسان‌تر و سریع‌تر به نتیجه خواهد رسید و حق کودک با ناتوانی از اثبات تقصیر پایمال نخواهد گردید. تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان نیز نمی‌توانند به بهانه نداشتن تقصیر از زیر بار مسئولیت شانه خالی نمایند. (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص. ۱۹۱) از طرف دیگر، ضمان‌آور شدن فعالیت‌های تولیدی و توزیعی عرصه اسباب‌بازی باعث می‌گردد که هنگام ساخت و عرضه اسباب‌بازی‌ها تلاش و احتیاط و افری به‌عمل آید، و به مقررات و ضوابطی که در این زمینه وجود دارد، توجه کافی شود تا اسباب‌بازی مناسب و بی‌خطری برای کودک تهیه گردد؛ بدین ترتیب قدرت اقتصادی تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان اسباب‌بازی مهار گردیده، و صرفاً برای کسب منافع بیشتر خود، از سرنوشت کودک و حساسیت‌های وی غافل نمی‌مانند (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص. ۱۹۲).

بر این نظریه نقدهایی وارد است: اولاً، تفاوت تولیدکننده و عرضه‌کننده مقصر و

غیرمقصر نادیده گرفته می‌شود (باریکو، ۱۳۸۷، ص. ۴۶)؛ ثانیاً منطقاً نمی‌توان تولید و عرضه اسباب‌بازی را به‌عنوان عمل خطرناک مشمول نظریه خطر قرار داد و محدود نمودن نظریه به تولید اسباب‌بازی‌های خطرناک نیز وافی به مقصود نیست. ثالثاً نظریه خطر عقب‌ماندگی بازارهای اسباب‌بازی را به‌دنبال دارد و متعاقب آن، کودکان نیز از رشد و خلاقیت و نوآوری بازمی‌مانند؛ چراکه اگر صرف ساخت و عرضه اسباب‌بازی زیانبار مبنای مسئولیت مدنی باشد، برای مبتکران و مخترعان و طراحان اسباب‌بازی محدودیت ایجاد می‌گردد و از ساخت اسباب‌بازی‌های جدید که نظر به عدم آزمایش، ممکن است برای کودک خطرهایی در پی داشته باشد، خودداری می‌نمایند (باریکو، ۱۳۸۷، ص. ۴۶). طبق بند ۲ ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی شورای نظارت بر ساخت، طراحی، واردات و توزیع اسباب‌بازی کودکان (مصوب ۱۳۷۷/۴/۱۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی)، شورا در جهت حمایت و توسعه صنعت اسباب‌بازی موظف به حمایت ویژه از تولید اسباب‌بازی‌هایی است که قابلیت و توان رقابت در بازارهای جهانی و منطقه‌ای را داشته باشند. دستیابی به این هدف مستلزم نوآوری و ابتکار در تولید اسباب‌بازی‌های جدید است که اعمال نظریه خطر با این هدف در تعارض است. چراکه ترس از مسئولیت، مخترعان و طراحان را از خلاقیت و نوآوری برای ایجاد محصولات جدید و قوی، بازمی‌دارد.

حقوق‌دانان دو نظریه «خطر در برابر انتفاع» و «خطر نامتعرف» را نیز به‌عنوان زیرمجموعه‌های نظریه خطر مطرح نموده‌اند که این نظریات نیز نمی‌تواند راهگشا باشد. نظریه «خطر در برابر انتفاع (مادی)» با دو اشکال عمده نمی‌تواند مبنای مناسبی برای مسئولیت مدنی تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان اسباب‌بازی باشد. اول آنکه کلیه فعالیت‌های طراحی، تولید و عرضه اسباب‌بازی، تجاری و صنعتی و در راستای کسب سود و منافع مادی محسوب می‌شوند، و قید مذکور در این نظریه (انتفاع مادی) محدودیتی در مسئولیت تولیدکننده و عرضه‌کنندگان اسباب‌بازی ایجاد نمی‌کند و از این‌حیث، بین نظریه خطر و نظریه خطر در برابر انتفاع مادی، تفاوتی نیست؛ بنابراین، ایرادهای وارد بر نظریه خطر در اینجا نیز قابل طرح می‌باشد. ثانیاً این نظریه موجب می‌شود، تولیدکنندگان بزرگ اسباب‌بازی دقت و احتیاط کافی در تولید و تهیه اسباب‌بازی صرف نکنند؛ چراکه با

سودآوری هنگفت خود، نگرانی چندانی بابت جبران زیان کودک ندارند، در صورتی که اسباب‌بازی وسیله رشد جسمی، روحی و فکری کودک است و گاهی اثرهای سوء آن بر کودک قابل جبران نیست.

بر اساس نظریه «خطر نامتعارف»، تنها تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگانی در برابر کودک زیان‌دیده مسئول می‌باشند که اسباب‌بازی زیانبار نامتعارفی را تولید و عرضه کرده باشند. این نظریه و نظریه تقصیر از دو جهت متفاوت‌اند: اول اینکه، در تقصیر عوامل روانی و درونی، و در خطر نامتعارف فعل زیانبار بررسی می‌شود؛ لذا چنانچه فعل زیانبار نامتعارف باشد، شخص چه با تقصیر چه بدون تقصیر، مسئول است (باریکو، ۱۳۸۷: ۴۷). دوم آنکه، برای تحقق تقصیر شخص باید فعالیت نامشروعی برخلاف تعهد و تکلیف انجام دهد؛ در حالی که در خطر هنگامی فعالیت نامتعارف تحقق می‌یابد که ارتکاب چنین فعالیتی مورد انتظار عرف نباشد (قاسم‌زاده، ۱۳۸۳: ۳۳۷). با این حال، نظریه اخیر، در عمل تفاوتی با نظریه تقصیر (در معنای تقصیر نوعی) ندارد؛ چه اینکه در ارزیابی رفتار نامتعارف و تقصیر نوعی یکسان عمل می‌شود و بار اثبات نامتعارف بودن عملکرد تولیدکننده و عرضه‌کننده اسباب‌بازی نیز به دوش کودک و والدینش قرار گرفته که نظر به نابرابری قدرت دو طرف دعوا و محتمل بودن عدم اثبات، حقوق کودک تضییع می‌گردد.

۳-۳. نظریه تضمین حق

مطابق این مبنا، کودک حق دارد سالم و ایمن زندگی کند و با آسایش خاطر با اسباب‌بازی‌های خود بازی کند؛ بدون اینکه به تمامیت جسمانی او و خانواده‌اش و اموال و دارایی ایشان آسیبی برسد؛ تولیدکننده و عرضه‌کننده اسباب‌بازی که با تولید و عرضه اسباب‌بازی، به جسم و مال کودک و خانواده‌اش آسیب رسانده، باید این خسارات را جبران نماید تا حقوق یاد شده تضمین گردد (قاسم‌زاده، ۱۳۸۳، ص. ۳۳۸). با در نظر گرفتن حمایت از حق کودک زیان‌دیده، به‌عنوان مبنای مسئولیت مدنی تولیدکننده و عرضه‌کننده، مسئله‌ای نمود می‌یابد؛ بدین ترتیب که عملکرد و فعالیت تولیدکننده و عرضه‌کننده اسباب‌بازی که سبب آسیب دیدن کودک شده است، در نتیجه اعمال حق ایشان در آزادی فعالیت تولیدی

و تجاری می‌باشد و در تزامم این دو حق، مبنای تقدم حق کودک با لحاظ مسئولیت بر تولیدکننده و عرضه‌کننده اسباب‌بازی چیست؟ به اعتقاد طرفداران این نظریه، برای تعیین تقدم حقوق طرفین بر یکدیگر بایستی این معیار را در نظر گرفت که آیا تضمین حق تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان با ورود ضرر به کودک ملازمه دارد و الزام آنها به جبران خسارت کودک به منزله انکار حق آنهاست یا خیر؟ از این رو حقوق به دو دسته تقسیم می‌گردند: دسته نخست، به اشخاص اجازه داده که حق خویش را اعمال کنند، بدون اینکه در برابر خساراتی که ناشی از اعمال حقتشان می‌باشد، مسئولیتی داشته باشند. در به رسمیت شناختن این حقوق و اجرای آنها، خسارات دیگران نمی‌تواند مانعی بر سر اجرای آنها باشد و الزام به جبران خسارات، انکار این حقوق را موجب می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص. ۲۰۰). دسته دیگر حقوق، اجرایشان با وارد ساختن خسارات به دیگران ملازمه ندارد. در نتیجه در برابر زیان دیده مسئول می‌باشند.

حق آزادی تجارت و انجام فعالیت‌های صنعتی که هریک از تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان اسباب‌بازی در رقابت با هم دارا می‌باشند، در زمره حقوق دسته اول است؛ بنابراین هرکدام اسباب‌بازی جدیدتر، باکیفیت‌تر و خوش‌قیمت‌تری تولید و عرضه نماید و از این طریق خساراتی به دیگر تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان این صنعت وارد سازد، در برابر آنها مسئولیتی ندارند؛ زیرا اضرار به دیگران لازمه اعمال حق هر یک از آنها می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۰۰). اما حق فعالیت، تولید و عرضه اسباب‌بازی ملازمه‌ای با وارد ساختن ضرر به کودک ندارد؛ بنابراین در مقایسه با حق کودک، در دسته دوم جای می‌گیرند. در واقع طراحی، تولید و عرضه اسباب‌بازی‌های استاندارد و متناسب و بدون آسیب و خطر برای کودک نه تنها امکان‌پذیر بلکه طبق ماده ۴ اساسنامه شورای نظارت بر ساخت، طراحی، واردات و توزیع اسباب‌بازی و معیارهای اسباب‌بازی مناسب که طی ۲۶ بند توسط شورا اعلام گردیده، الزامی است؛ لذا تولیدکننده و عرضه‌کننده در قبال خسارات وارده به کودک مسئولند و حقوق کودک بایستی تضمین گردد.

با وجود این توجیه نظری، نظریه تضمین حق در توجیه مسئولیت مدنی تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان اسباب‌بازی در قبال کودک، معایبی دارد. تمرکز این نظریه برای یافتن مبنای

مسئولیت مدنی، بر زیان‌دیده، همچون کودک و حقوق وی می‌باشد و از عنصر مهم واردکننده زیان برای تشخیص شخص مسئول و مبنای آن، غافل مانده است (بادینی، ۱۳۱۹، ص. ۳۰۵). به علاوه، این نظریه بیشتر بر تضمین حق کودک بر تمامیت جسمانی و سلامتی جسمی وی تأکید دارد و به جنبه سلامتی روانی کودک و خسارات مهمی همچون شوک عصبی، فشارها و بیماری‌های روحی، روانی و عصبی، کاهش مهارت‌های اجتماعی و رفتاری کودک ناشی از استفاده از اسباب‌بازی، توجهی نکرده و در چنین مواردی، طبق قاعده عمومی مسئولیت، اثبات تقصیر را ضروری می‌داند. همچنین، این نظریه صرفاً بر جبران خسارت تأکید دارد، نه تعیین مسئول؛ به عبارت دیگر این نظریه در خصوص اینکه از میان تولیدکننده، واردکننده، توزیع‌کننده و عرضه‌کننده اسباب‌بازی، کدام یک و یا هر یک به چه میزان مسئول هستند، حکمی ندارد. در آخر اینکه، عنصر تقصیر نیز در این نظریه به طور ضمنی وجود دارد و تضمین حق در برابر آن ارزشی ندارد؛ به این ترتیب که برتری حق فعالیت و تجارت تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان اسباب‌بازی و مسئول نبودن آن‌ها نسبت به خسارات دیگر تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان این عرصه، به این عنوان که این خسارات لازمه اعمال حقتشان می‌باشد، حاکی از فعالیت مشروع و صحیح تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان و عدم ارتکاب خطا و تقصیری از سوی آنهاست و اگر در انجام فعالیت دچار تقصیری شوند، در قبال زیان‌دیده مسئول می‌باشند (مسئولیت مبتنی بر تقصیر).

۳-۴. نظریه مسئولیت محض

مسئولیت محض مبتنی بر وجود یا اثبات تقصیر در عامل زیان یا عملکرد زیانبار وی نیست و لزومی ندارد که عمل تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان اسباب‌بازی تخطی از معیار رفتار متعارف باشد؛ صرف ورود خسارت به کودک برای عامل آن ایجاد مسئولیت می‌نماید و خواننده جز با اثبات قطع رابطه سببیت بین خود و زیان وارده نمی‌تواند از مسئولیت رهایی یابد؛ لذا وی باید انتساب ضرر به قوه قاهره، اقدام زیان‌دیده و یا مداخله شخص ثالث را ثابت نماید و اثبات بی‌تقصیری، تأثیری در عدم مسئولیت ندارد. به اعتقاد برخی، مبنای توجیه این نظریه «تعهد به ایمنی» و تولید و عرضه اسباب‌بازی سالم، ایمن و بی‌خطر

به‌عنوان تعهد به نتیجه است؛ که صرف آسیب به کودک، نقض تعهد تولیدکننده یا عرضه‌کننده تلقی و وی را مسئول جبران خسارت می‌نماید.^{۱۷}

از دلایل تمسک به نظریه مذکور، عدم کفایت نظریه تقصیر و دشواری اثبات تقصیر در مسئول شناختن تولیدکننده و عرضه‌کننده اسباب‌بازی است؛ چه اینکه کودک زیان‌دیده و والدین وی، از بیم شکست در دعوا و پرداخت بیهوده هزینه دادرسی و اتلاف وقت، ترجیح می‌دهند به دادگاه مراجعه نکنند (کاتوزیان، ۱۳۸۱، صص. ۱۵۶-۱۵۷). حمایت از حقوق مصرف‌کننده اسباب‌بازی می‌طلبد که وی برای جبران زیان‌های ناشی از اسباب‌بازی معیوب و غیراستاندارد، تکلیفی به اثبات تقصیر تولیدکننده نداشته باشد، وگرنه خسارات وارده به او بدون جبران باقی می‌ماند (ابدالی، ۱۳۹۱، ص. ۱۸۷). بدین ترتیب تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان بزرگ اسباب‌بازی، از محیط خطرناکی که برای کودک ایجاد کرده‌اند سود می‌برند، بدون اینکه در برابر زیان‌های وارده به کودک پاسخگو باشند؛ بنابراین لازم است به‌طور کلی ضامن ایمنی اسباب‌بازی‌های تولیدی خود باشند تا در تولید و عرضه اسباب‌بازی استاندارد و بی‌خطر بکوشند (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ص. ۱۵۷).

مسئولیت محض متمایز از نهادهای فرض تقصیر و مسئولیت مطلق است. در فرض تقصیر، اثبات بی‌تقصیری و عدم اطلاع از عیب اسباب‌بازی، عامل زیان را از مسئولیت معاف می‌کند. در مسئولیت مطلق، عامل زیان حتی در صورت عدم وجود رابطه میان او و زیان وارده به کودک مطلقاً مسئول است؛ اما در مسئولیت محض ضرورتاً بایستی میان عیب اسباب‌بازی و خسارت وارده به کودک رابطه علیت باشد. (سلیمی و پارسا‌پور، ۱۳۹۱، ص. ۶۵)؛ البته در مسئولیت محض، فرض بر این است که این رابطه سببیت وجود دارد و خواننده باید فقدان این رابطه سببیت را ثابت نماید.

مزایای پذیرش نظریه مسئولیت محض برای تولیدکننده از این قرار است: ۱. به‌عنوان یکی از اهداف مسئولیت مدنی، مسئولیت محض نیروی بازدارندگی قوی‌تری نسبت به مسئولیت مبتنی بر تقصیر دارد؛ چراکه مسئول، مراقبت خواهد کرد تا ضرری به کودک

۱۷. مسئولیت محض بعضاً تحت عنوان مسئولیت نوعی نیز مطرح شده است. چه اینکه بر اساس این نظریه، شخص نوعاً مسئول است، مگر اینکه عدم انتساب زیان به خویش را اثبات نماید.

نرساند، رعایت مقررات و احتیاط بیشتر، بازدارندگی را در پی دارد (بادینی و دیگران، ۱۳۹۱، صص. ۲۲-۲۳)؛ ۲. اطمینان سازی برای خانواده‌های کودکان نسبت به عرضه اسباب‌بازی مناسب و بی خطر در تبلیغات و اعلان‌ها؛ زیرا خانواده‌ها بر این اساس که اسباب‌بازی بی‌ضرر است، آن را می‌خرند (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ص. ۱۵۸)؛ ۳. مهم‌ترین امتیاز که همانا آسان شدن اثبات ارکان دعواست. بدین ترتیب که نه تنها اثبات تقصیر تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان لازم نیست؛ بلکه رابطه سببیت نیز با انجام عمل زیانبار، مفروض است، و اثبات عدم انتساب و یا قوه قاهره، با تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان اسباب‌بازی است (بادینی و دیگران، ۱۳۹۱، ص. ۲۳)؛ ۴. هر چند نظام مسئولیت محض، به علت آسان بودن اثبات ارکان دعوا، موجب افزایش طرح دعاوی خواهد شد؛ اما از دعاوی بیهوده هم جلوگیری می‌نماید. در صورت عدم پذیرش مسئولیت محض تولیدکننده، ولی کودک زیان‌دیده، به علت نقض تعهد ضمنی فروشنده و دشواری اثبات تقصیر تولیدکننده اسباب‌بازی، بر دست قبلی خویش طرح دعوا خواهد کرد تا به تولیدکننده منتهی گردد. پذیرش مسئولیت محض از این همه اتلاف وقت، اطاله دادرسی و هزینه جلوگیری می‌نماید (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ص. ۱۵۸).

نظریه مسئولیت محض با وجود مزایای پیش گفته، اشکالاتی را در پی دارد: اثبات عدم تقصیر تولیدکننده و عرضه‌کننده اسباب‌بازی تأثیری در عدم مسئولیت آنان ندارد (السنهوری، ۱۹۵۲م، صص. ۷۶۸-۷۶۹). هرچند بار اثبات تقصیر از دوش کودک و والدین او برداشته می‌شود؛ لیکن عدم تفاوت بین تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان مقصر و غیرمقصر خلاف انصاف است. با فرض مسئولیت در هر شرایطی، در مسیر نوآوری و ابتکارات طراحان و تولیدکنندگان و تولیدات جدید که تأثیر به‌سزایی در رشد، شکوفایی، شکل‌گیری شخصیت و ابعاد جسمی و روحی کودک دارد، محدودیت ایجاد می‌شود.

از دیگر ایرادات وارد بر این نظریه این است که قاعده مسئولیت محض، همواره به کارایی اقتصادی منتهی نمی‌گردد. به این ترتیب که در حوادث یک‌جانبه^{۱۸} به کارایی منتهی

۱۸. منظور از «حوادث یک‌جانبه» آن دسته از حوادثی است که تنها احتیاط و پیش‌بینی آسیب‌رسانندگان بر خطرهای حادثه اثرگذار است و رفتار زیان‌دیدگان تأثیری ندارد (دادگر و خودکار، ۱۳۹۶، ص. ۴۲).

شده، ولی در حوادث دوجانبه^{۱۹} کارایی ندارند (دادگر و خودکار، ۱۳۹۶، ص ۵۲)؛ برای مثال اگر شخصی سبب تلف مال دیگری گردد، مسئول خسارت وارده می‌باشد، هرچند مرتکب تقصیر نگردیده باشد. در اینجا چون خسارت وارده، خسارتی یکجانبه است، نظریه مسئولیت محض، کارایی اقتصادی دارد و جبران خسارت بر اساس این نظریه قابل توجیه است. درحالی‌که یک کارخانه تولیدی، اسباب‌بازی استاندارد را تولید نماید و تمام هشدارهای لازم را مطابق با اصول قانونی تهیه و ارائه نماید؛ لیکن والدین کودک به هشدارهای لازم^{۲۰} اعم از تناسب اسباب‌بازی با سن و جنس کودک و نحوه استفاده از آن توجهی نکنند و آن‌ها را رعایت ننمایند؛ در این حالت اگر اسباب‌بازی مزبور موجب خسارات جسمی و روحی به کودک گردد، به دلیل وجود رابطه سببیت تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان چنین اسباب‌بازی، ملزم به جبران خسارت می‌باشند، هرچند مرتکب تقصیر و نقض تعهدی نشده باشند؛ البته تولیدکننده و یا عرضه‌کننده می‌تواند با اثبات تقصیر والدین کودک و عدم رعایت ضوابط استفاده از سوی ایشان و اثبات رابطه سببیت بین زیان وارده و تقصیر والدین، از مسئولیت معاف شود؛ ولی بدیهی است که چنین امری بعضاً بسیار دشوار و برای تولیدکننده و عرضه‌کننده، هزینه مادی و معنوی بسیاری دربردارد. در چنین وضعیتی تولیدکنندگان برای کاهش مسئولیت خود مجبور به اتخاذ سطح احتیاطی فراتر از سطح بهینه آن، و سطح فعالیتی پایین‌تر از سطح بهینه فعالیت می‌شوند، و در نتیجه کارایی حاصل نمی‌شود. از این‌رو در چنین مواردی نمی‌توان از ظرفیت‌های تولیدی جامعه استفاده نمود و به این ترتیب خسارات گسترده‌ای بر پیکره اقتصادی جامعه وارد می‌آید (دادگر و خودکار، ۱۳۹۶، ص ۵۳).

۱۹. «حوادث دوجانبه» آن دسته حوادثی است که آسیب‌رسانندگان و زیان‌دیدگان می‌توانند با رعایت احتیاط و اتخاذ تدابیر پیشگیرانه از وقوع حادثه جلوگیری به عمل آورند یا خطرهای حادثه را کاهش دهند (دادگر و خودکار، ۱۳۹۶، ص ۴۶).

۲۰. هشدارهایی که تصمیم خرید را تعیین می‌نماید، مانند حداقل و حداکثر سن مصرف‌کننده بایستی بر روی بسته‌بندی ظاهر شود یا در غیر این صورت به‌نحوی قابل مشاهده برای مصرف‌کننده باشد؛ حتی در مواردی که خرید برخط صورت می‌گیرد (Toy safety ensuring children benefit from the highest level of protection, Publication Office of European commission enterprise and industry, p 9-10).

یکی دیگر ایرادات وارد بر نظریه مسئولیت محض در خصوص مسئولیت ناشی از تولید و عرضه اسباب‌بازی، آن است که به‌ویژه در خصوص خساراتی که از اسباب‌بازی به اشخاص ثالث وارد می‌شود (مثلاً کودکی با تفنگ اسباب‌بازی خود دوستش را مجروح می‌کند) و یا خسارات معنوی (آسیب‌های روحی کودک ناشی از اسباب‌بازی‌های خشن) علاوه بر تولیدکننده و عرضه‌کننده، عوامل دیگری همانند خود کودک، والدین، دوستان، سرپرست و یا مراقب کودک و ... نیز می‌توانند مؤثر باشند. در چنین فرضی که تأثیر سایر عوامل نیز بالنسبه محتمل است، مفروض دانستن مسئولیت تولیدکننده و عرضه‌کننده، غیرمنطقی و به دور از انصاف است. در خاتمه می‌توان گفت حتی در فرض لحاظ تعهد ایمنی برای تولیدکننده و یا عرضه‌کننده اسباب‌بازی، این تعهد به ایمنی، مقید به این است که اگر اسباب‌بازی استاندارد، مطابق دستورالعمل‌ها و هشدارها، استفاده شود؛ اما به کودک آسیب برساند، تولیدکننده و عرضه‌کننده اسباب‌بازی در قبال این‌گونه خسارات مسئول می‌باشند؛ لکن خسارت ناشی از عدم رعایت دستورالعمل‌ها و هشدارها، برای تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان اسباب‌بازی مسئولیتی در پی نخواهد داشت.

۴. مبنای برگزیده در مسئولیت مدنی تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان اسباب‌بازی

برای دستیابی به مبنای مناسب در مسئولیت ناشی از تولید و عرضه اسباب‌بازی، در ابتدا باید تحلیلی جامع از خسارات ناشی از استفاده از اسباب‌بازی ارائه نمود. در یک بررسی استقرایی، خسارات ناشی از تولید و عرضه اسباب‌بازی در سه دسته قابل تقسیم است. دسته نخست خسارات جسمی (بدنی) یا مادی است که در اثر استفاده از اسباب‌بازی به کودک استفاده‌کننده از اسباب‌بازی وارد می‌شود. این خسارات ممکن است ناشی از غیراستاندارد بودن طراحی، نقص اسباب‌بازی، جنس و مواد اولیه حساسیت‌زا یا نامناسب اسباب‌بازی و یا استفاده نادرست از آن باشد. این خسارات معمولاً در زمان استفاده و یا در فاصله کوتاهی پس از استفاده از اسباب‌بازی، وارد می‌شوند. دسته دوم خسارات معنوی است که در اثر استفاده از اسباب‌بازی، ممکن است به کودک وارد شود. این

خسارات معمولاً در درازمدت و در اثر استفاده مستمر از اسباب‌بازی به دلیل نامتناسب بودن اسباب‌بازی و یا استفاده نادرست از آن، به کودک وارد می‌شود. ابتلاء به بیماری‌های روحی و روانی از جمله افسردگی یا پرخاشگری و از بین رفتن مهارت‌های ارتباطی و رفتاری کودک از این دسته از خسارات محسوب می‌شوند. دسته سوم نیز خسارات جسمی یا مادی و بعضاً معنوی است که در اثر استفاده از اسباب‌بازی توسط کودک به اشخاص ثالث وارد می‌شود؛ مانند اینکه کودکی با تفنگ و یا شمشیر اسباب‌بازی، دوستش را زخمی نموده یا خسارت مالی به وی وارد آورد و یا با ماسک ترسناک خود دوستش را بترساند و وی دچار شوک عصبی شود.

در خصوص خسارات دسته نخست، از آنجاکه اصولاً خسارت وارده مستند به تولیدکننده یا عرضه‌کننده اسباب‌بازی است، می‌توان قائل به فرض مسئولیت شد و مبنای «مسئولیت محض» را در نظر گرفت. چه اینکه این‌گونه خسارات یا ناشی از جنس، طراحی یا نقص اسباب‌بازی است و یا ناشی از استفاده نامتناسب از اسباب‌بازی؛ در فرض نخست که انتساب به تولیدکننده و یا بعضاً عرضه‌کننده (مثل موردی که اسباب‌بازی در اثر تقصیر عرضه‌کننده دچار نقص شده) مسلم است؛ فرض استفاده نامتناسب از اسباب‌بازی نیز می‌تواند ناشی از عدم اطلاع‌رسانی صحیح تولیدکننده یا عرضه‌کننده باشد؛ البته این فرض مسئولیت قطعی و مسلم نیست و عامل زیان می‌تواند با اثبات قوه قاهره، مداخله ثالث یا تقصیر زیان‌دیده، از مسئولیت معاف شود. در خصوص اثبات مداخله ثالث، باید توجه داشت که تولیدکننده و عرضه‌کننده نسبت به یکدیگر ثالث محسوب نشده و در نتیجه فروشنده نمی‌تواند با اثبات استناد خسارت به تولیدکننده یا توزیع‌کننده، خود را از مسئولیت برهاند. اثبات انتساب خسارت بین عوامل تولید یا عرضه اسباب‌بازی، صرفاً بین خود ایشان و نه درمقابل زیان‌دیده، مؤثر است و عاملی که خسارت را جبران نموده، با اثبات استناد خسارت به عامل دیگر، حق رجوع به او را پیدا می‌کند و بدین ترتیب مسئولیت نهایی بر عهده شخصی مستقر می‌شود که خسارت مستند به اوست.

در خصوص خسارات دسته دوم و سوم، از آنجاکه اسباب متعددی در ورود خسارت تأثیرگذار است، نمی‌توان مسئولیت محض یا فرض مسئولیت را در نظر گرفت؛ به‌عنوان مثال

در خصوص خسارات معنوی و روحی، در کنار استفاده از اسباب‌بازی، ممکن است عوامل متعددی نظیر تربیت والدین و نظارت ایشان بر رفتار کودک، محیط رشد وی، دوستان و اطرافیان، آموزش‌های مدرسه و ... بر روح و روان کودک تأثیر گذاشته باشد و اینکه در چنین فرضی و با وجود این تعدد اسباب، تولیدکننده اسباب‌بازی را بر اساس مسئولیت محض مسئول بدانیم، غیرمنطقی به نظر می‌رسد. همین مسئله در جایی که کودک به وسیله اسباب‌بازی خود به دیگران خسارت وارد می‌کند نیز جاری است؛ زیرا بسیار محتمل است که ورود خسارت به ثالث منتسب به کودک، والدین یا سرپرست او باشد. در چنین مواردی، منطقی آن است که بار اثبات مسئولیت عوض شود؛ در نتیجه در خصوص این خسارات ضمن اینکه زیان‌دیده از اثبات تقصیر عامل زیان معاف می‌شود؛ لیکن خود او باید استناد عرفی زیان به عامل زیان را اثبات نماید؛ لذا در خصوص خسارات دسته دوم و سوم، «نظریه قابلیت استناد» به‌عنوان مبنای مسئولیت مدنی پیشنهاد می‌شود.

منظور از قابلیت استناد، قابلیت استناد زیان به عامل زیان اعم از تولیدکننده، واردکننده، توزیع‌کننده یا فروشنده اسباب‌بازی می‌باشد. بدین‌معنا که هرگاه زبانی به کودک وارد می‌آید، مسئولیت جبران خسارت به عهده شخص یا اشخاصی است که این زیان مستند به فعل یا ترک فعل ایشان می‌باشد. این قابلیت استناد، مبتنی بر رابطه سببیت عرفی است (مبین، ۱۳۹۰، ص. ۹۱). برای تشخیص رابطه سببیت، می‌توان از دو معیار مثبت و منفی استفاده نمود: در معیار منفی، برای اینکه حادثه به‌وجود آمده برای کودک، سبب محسوب گردد، بایستی آن حادثه در زمره شرایط ضروری تحقق ضرر باشد؛ یعنی احراز شود که بدون آن، خسارتی به کودک وارد نمی‌گردید؛ بنابراین اگر ثابت شود که در صورت رعایت مقررات، استانداردها و احتیاط کامل تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان مقصر، باز هم خسارت به کودک وارد می‌آمد، بدین‌معنی است که تقصیر تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان مقصر سبب ورود خسارت به کودک نبوده؛ زیرا رابطه منفی میان عمل آن‌ها و ضرر وارده وجود ندارد (مبین، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۷). در معیار مثبت، بایستی بررسی شود که آیا رابطه موثری میان زیان وارده به کودک و عامل مورد نظر وجود دارد یا خیر، و اینکه عمل تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان شرط ضروری حادثه است، کافی نیست. در این معیار که نظریه عامل

جوهری نامیده می‌شود، هر آنچه که عامل اصلی وقوع حادثه برای کودک یا یکی از عوامل جوهری آن باشد، سبب نامیده می‌شود و مسئولیت دارد؛ خواه از شرایط ضروری آن نیز باشد یا عامل دیگری هم بتواند همان نتیجه را دربرداشته باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۶، صص. ۴۵۱-۴۵۲)؛ به‌عنوان مثال اگر تولیدکننده‌ای اسباب‌بازی متشکل از مواد سمی تولید نماید، توزیع‌کننده نیز با آگاهی آن را توزیع نماید و فروشنده بدون آگاهی، آن را به کودک بفروشد؛ اما دستورالعمل استفاده از اسباب‌بازی را ارائه ننماید؛ بنا بر معیار منفی، عمل فروشنده شرط ضروری محسوب نمی‌گردد و نبایستی او را مسئول دانست؛ در صورتی که بر اساس معیار مثبت، عملکرد فروشنده نیز مؤثر می‌باشد.

از جمله ایرادهایی که به این نظریه وارد شده این است که به مانند نظریه خطر، از بین رفتن مفهوم اخلاقی تقصیر، دعاوی مسئولیت مدنی تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان اسباب‌بازی را آسان‌تر نمی‌سازد. هرچند کودک از اثبات تقصیر آنان بی‌نیاز می‌گردد، ولی با مسیر دشوارتری روبه‌رو می‌شود؛ به‌ویژه هنگامی که چندین عامل تولیدکننده، توزیع‌کننده و فروشنده در حادثه نقش داشته باشند، اثبات رابطه علیت، بسیار مشکل‌تر از تقصیر است. ولی باید توجه داشت که در این موارد، تقصیر می‌تواند به‌عنوان یک راه تشخیص رابطه سببیت مورد استفاده قرار گیرد؛ چراکه عرف از میان تمامی اسبابی که در این حادثه نقش داشته‌اند، سببی را که همراه با خطا بوده است برمی‌گزیند (کاتوزیان، ۱۳۸۶، صص. ۲۰۱)؛ البته این امر، بدین‌معنا نیست که تقصیر برای تحقق مسئولیت مدنی ایشان موضوعیت دارد، آن‌گونه که در صورت انتقای تقصیر، مسئولیت مدنی تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان اسباب‌بازی نیز منتفی گردد (باریکو، ۱۳۸۷، صص. ۵۳). ملاک قابلیت استناد، رابطه سببیت عرفی است. اغلب موارد، عرف زیان را مستند به تولیدکننده یا عرضه‌کننده‌ای می‌داند که مرتکب تقصیر گردیده؛ بنابراین در این‌گونه موارد احراز تقصیر ضروری به‌نظر می‌رسد (مبین، ۱۳۹۰، صص. ۱۱۱)؛ لذا نظریه قابلیت استناد، به‌طور کلی منکر نقش تقصیر در مسئولیت مدنی تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان اسباب‌بازی نمی‌باشد بلکه نقش تقصیر را به‌عنوان مبنای مسئولیت مدنی نمی‌پذیرد؛ اما تقصیر می‌تواند به‌عنوان یکی از معیارهای تشخیص و احراز قابلیت استناد به‌کار گرفته شود (باریکو، ۱۳۸۷، صص. ۵۷)؛ البته براساس این

نظریه، عدم تقصیر به معنی عدم مسئولیت نیست؛ لذا اگر تولیدکننده‌ای در ساخت اسباب‌بازی از موادی استفاده نماید که بعد ثابت شود که این مواد حساسیت‌زا بوده و یا به سلامتی کودک آسیب‌هایی وارد نموده است، براساس نظریه قابلیت استناد، تولیدکننده مسئول خواهد بود؛ زیرا رابطه سببیت بین زیان وارده و عامل زیان برقرار شده است؛ حال آنکه تولیدکننده مرتکب تقصیری نشده و مواد مزبور در زمان استفاده، از سوی تولیدکننده اصولاً مجاز بوده است.

نکته دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد نحوه تخصیص مسئولیت به عوامل متعدد از قبیل تولیدکننده، نماینده مجاز، واردکننده، توزیع کننده و فروشنده است. به نظر می‌رسد، درجایی که برای عامل زیان فرض مسئولیت در نظر گرفته شده و مبنای مسئولیت، «مسئولیت محض» است، این فرض مسئولیت برای همه عوامل وجود دارد و در نتیجه می‌توان بین عوامل متعدد قائل به «مسئولیت تضامنی» شد. دیدگاهی که دعوی مطالبه خسارت را تسهیل نموده و زیان‌دیده می‌تواند به عاملی که دسترسی به وی راحت‌تر است، مراجعه نماید. ولی در مواردی که نظریه قابلیت استناد به‌عنوان مبنای مسئولیت مدنی پذیرفته شد، از آنجاکه احراز مسئولیت، منوط به اثبات استناد زیان به عامل زیان است، صرفاً عاملی مسئول جبران خسارت است که خسارت مستند به ایشان باشد و در صورتی که خسارت مستند به چند عامل باشد، هر یک به میزان تأثیر خود در ورود خسارت مسئولیت خواهند داشت.

به اعتقاد نگارندگان، آنچه پیشنهاد شد، به دلایل ذیل می‌تواند بهترین مبنا برای مسئولیت مدنی تولید و عرضه اسباب‌بازی باشد:

(۱) اثبات تقصیر تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان اسباب‌بازی از سوی والدین کودک لازم نیست؛ مهم، رابطه «استناد عرفی» میان زیان وارده به کودک و تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان اسباب‌بازی است و از تقصیر به‌عنوان معیاری برای تشخیص این استناد عرفی استفاده می‌گردد. بر اساس این مبانی، قلمروی اصل جبران خسارت وارده به کودک گسترش می‌یابد و می‌توان این نظریه را با تحولات اجتماعی سازگارتر دانست؛ زیرا با راهکار بهتری می‌تواند موجب احقاق حق کودک زیان‌دیده در مطالبه خسارات گردد (مبین، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۴).

۲) در فرض خسارات جسمی و مادی ناشی از اسباب‌بازی که به نوعی خسارات مستقیم ناشی از استفاده از اسباب‌بازی محسوب می‌شود، از آنجاکه در اغلب موارد مسئولیت مستند به تولیدکننده یا عرضه‌کننده اسباب‌بازی است، مبنای «مسئولیت محض» زیان‌دیده را علاوه بر اثبات تقصیر از اثبات رابطه سببیت نیز معاف نموده و بار اثبات قطع رابطه سببیت بر عهده تولیدکننده یا عرضه‌کننده قرار می‌گیرد.

۳) پذیرش «مسئولیت تضامنی» در کنار «مسئولیت محض»، زیان‌دیده را حتی از اثبات نحوه توزیع مسئولیت بین عوامل مختلف نیز بی‌نیاز و دعوی مسئولیت را تسهیل می‌نماید. پس از جبران خسارت از سوی هر یک از عوامل تولید یا عرضه اسباب‌بازی، او حق رجوع به عاملی را خواهد داشت که خسارت مستند به اوست و بدین ترتیب مسئولیت نهایی بر اساس نظریه «قابلیت استناد» تعیین می‌گردد.

۴) در خصوص خسارات معنوی و خسارات وارد به اشخاص ثالث، از آنجاکه احتمال انتساب خسارت به تولیدکننده و عرضه‌کننده کمتر است، پذیرش فرض مسئولیت یا مسئولیت محض، منطقی نبوده و نظریه «قابلیت استناد»، مبنای مناسبی است.

۵) برخلاف نظریه خطر، نظریه قابلیت استناد مانعی برای تولید و عرضه اسباب‌بازی جدید ایجاد نمی‌کند؛ زیرا تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان اسباب‌بازی به صرف ایجاد محیط خطرناک برای کودک، مسئول شناخته نمی‌شوند بلکه تنها زمانی که زیان وارده به آن‌ها قابل استناد باشد مسئول خواهند بود؛ در فرضی که مسئولیت محض پذیرفته شده نیز صرفاً بار اثبات عوض شده، والا مبنای مسئولیت، همچنان همان «قابلیت استناد» است. بدین ترتیب رسالت اسباب‌بازی‌ها یعنی افزایش قدرت تخیل، و گرایش تصرف در اشیا و طبیعت، رشد مهارت‌ها و توانایی‌های کودک در حوزه‌های شناختی، عاطفی، روانی و حرکتی و پرورش خلاقیت آن‌ها، حفظ می‌شود.^{۲۱}

۶) با مبنا قرار دادن این نظریه برای مسئولیت تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان اسباب‌بازی، عدالت و انصاف رعایت می‌گردد. عدالت ایجاب می‌کند اگر خسارتی به کودک

۲۱. بند ۸ و ۷ بخش اول معیارهای اسباب‌بازی مناسب برای کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۴/۱۲/۹ شورای نظارت بر اسباب‌بازی.

وارد آمد؛ تا حد امکان این خسارت جبران گردد و فردی برای تحمل جبران خسارت سزاوار است که خسارت به او مستند می‌باشد (مبین، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۵).

نتیجه‌گیری

اسباب‌بازی به‌عنوان اصلی‌ترین و مؤثرترین شیئی که طفل از دوران اولیه زندگی خویش با آن در ارتباط است، علاوه بر سرگرم نمودن کودک با اهداف ادراکی، درمانی، آموزشی، تشخیصی و افزایش فعالیت‌های فکری و جسمی کودک، تولید می‌شود و در اختیار کودک قرار می‌گیرد. تأثیر شگرف اسباب‌بازی‌ها بر جسم، روان، شخصیت و آینده کودک، نشان‌گر اهمیت خاص اسباب‌بازی‌ها در میان کالاهای دیگر است؛ تا آنجا که به منظور تولید و عرضه اسباب‌بازی ایمن و مطلوب، مقررات و استانداردهای ویژه‌ای وضع گردیده و ضرورت دارد، مسئولیت تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان اسباب‌بازی نیز به‌صورت ویژه بررسی گردد. هر یک از اشخاص دخیل در تولید و عرضه اسباب‌بازی اعم از «تولیدکنندگان»، «نمایندگان مجاز تولیدکننده»، «واردکنندگان»، «توزیع‌کنندگان» و «فروشنندگان اسباب‌بازی» در صورت نقض هر یک از تعهداتی که مطابق ضوابط و استانداردها یا عرف به عهده دارند، در برابر خسارات وارده به کودک، ناشی از تولید و عرضه اسباب‌بازی خطرناک و غیرایمن مسئول خواهند بود؛ لیکن سؤال اساسی این است که کدام نظریه، به‌عنوان مبنای مناسب جهت این مسئولیت قابل پذیرش است؟ بررسی نظریات مختلف ارائه شده در باب مبنای مسئولیت مدنی از قبیل نظریات تقصیر، خطر، تضمین حق، مسئولیت محض و فرض تقصیر، حکایت از این دارد که هیچ‌یک از این نظریات، دست‌کم به‌تنهایی نمی‌تواند مسئولیت مدنی ناشی از تولید و عرضه اسباب‌بازی را به نحو مطلوب توجیه نماید.

نتیجه این مطالعه حکایت از این دارد که مبنای مناسب برای مسئولیت ناشی از تولید و عرضه اسباب‌بازی، مبنایی است که از یک‌سو با حذف عنصر تقصیر و تسهیل دعوی مسئولیت مدنی، از زیان‌دیده (کودک) حمایت نموده و از سوی دیگر مانع خلاقیت و نوآوری تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان اسباب‌بازی نیز نگردد. بر همین اساس، در مواردی که

خسارت وارده اصولاً منتسب به تولیدکننده یا عرضه‌کننده اسباب‌بازی است، یعنی خسارات بدنی یا مادی ناشی از طراحی، جنس و کاربرد اسباب‌بازی، نظریه «مسئولیت محض» (فرض مسئولیت) پیشنهاد می‌گردد؛ اعمال این نظریه برای همه عاملین تولید و عرضه اسباب‌بازی (تولیدکننده، نماینده، واردکننده، توزیع‌کننده و فروشنده) به مسئولیت تضامنی ایشان، منتهی می‌شود؛ مگر اینکه هر یک از این عوامل، بتواند فقدان رابطه سببیت بین خود و ورود خسارت را با اثبات قوه قاهره، مداخله ثالث یا اقدام زیان‌دیده، ثابت نماید؛ صرف اثبات بی‌تقصیری نیز تأثیری در مسئولیت ایشان ندارد. لازم به ذکر است که سایر عوامل تولید و عرضه اسباب‌بازی در این رابطه، ثالث محسوب نمی‌شوند؛ در نتیجه هر یک از عوامل یاد شده، با اثبات استناد خسارت به سایر عوامل، از مسئولیت معاف نخواهند شد و صرفاً پس از جبران خسارت، حق رجوع به آن عامل را خواهند داشت.

در خصوص خساراتی که به جز عوامل یاد شده، احتمال مداخله عوامل دیگر نیز وجود دارد، نمی‌توان قائل به فرض مسئولیت شد؛ لذا در خصوص خسارات معنوی وارد به کودک یا خسارات مادی، بدنی و معنوی وارد به اشخاص ثالث، با حذف عنصر تقصیر و تحمیل بار اثبات رابطه سببیت به زیان‌دیده، «نظریه قابلیت استناد» به‌عنوان مبنای مسئولیت مدنی پیشنهاد می‌گردد. باید توجه داشت که نظریه قابلیت استناد به‌عنوان مبنای اصلی مسئولیت در حقوق ایران قابل پذیرش است؛ لیکن پذیرش مسئولیت محض و تضامنی در خصوص خسارات مادی و بدنی وارد به کودک، نیازمند قانون‌گذاری می‌باشد.

منابع

آیین‌نامه شورای نظارت بر ساخت، طراحی، واردات و توزیع اسباب‌بازی کودکان، مصوب ۱۳۷۷/۴/۱۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی.

ابدالی، مهرزاد (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی مبنا و حدود مسئولیت ناشی از عیب تولید در حقوق ایران، فرانسه و دستورالعمل جامعه اروپا، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۷۸، صص ۲۱۰-۱۷۷.

اساسنامه شورای نظارت بر ساخت، طراحی، واردات و توزیع اسباب‌بازی، مصوب

- ۱۳۷۷/۴/۱۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- السان، مصطفی، امشاسفند، جعفر، دادکیا، مجید، آجورلو، حمید (بهار و تابستان ۱۳۹۳). مطالعه تطبیقی تعهد ایمنی و مسئولیت مدنی نسبت به اسباب‌بازی، *مجله حقوق خصوصی*، دوره ۱۱، شماره ۱. صص ۱۰۹-۱۳۳.
- بادینی، حسن (۱۳۸۹). *فلسفه مسئولیت مدنی*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بادینی، حسن؛ شعبانی کندسری، هادی و رادپرور، سجاد (۱۳۹۱). مسئولیت محض؛ مبانی و مصادیق، *مجله مطالعات حقوق تطبیقی*، دوره ۳، شماره ۱. صص ۱۹-۳۶.
- باریکلو، علیرضا (۱۳۸۷). *مسئولیت مدنی*، تهران: میزان.
- خلیلیان، خلیل (۱۳۶۷). *با دنیای کودک آشنا شویم*، تهران: نشر فجر.
- دادگر، یدالله، خودکار، رضا (۱۳۹۶). تحلیل اقتصادی قاعده مسئولیت محض و بررسی کارایی آن در حقوق ایران، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، شماره ۷۸. صص ۳۹-۵۵.
- سلیمی، فضا، پارساپور، باقر (۱۳۹۱). مبانی مسئولیت مدنی عرضه‌کننده در مقابل مصرف‌کننده (مطالعه تطبیقی در قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و حقوق اتحادیه اروپایی)، *مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره ۱۶، شماره ۴. صص ۵۳-۷۶.
- السنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۹۵۲ م). *الوسیط فی شرح القانون المدنی، النظریه الالتزام بوجه عام، مصادر الالتزام، قاهره: دارالنشر للجامعات المصریه*.
- شهرآرای، مهرناز (۱۳۶۲). *راهنمای انتخاب اسباب‌بازی*، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ضوابط ناظر بر ثبت طرح و صدور مجوز (ساخت، واردات و صادرات) اسباب‌بازی، مصوب ۱۳۸۰/۵/۳۰ شورای نظارت بر اسباب‌بازی.
- طباطبایی‌نیا، سیدمحمد مهدی (۱۳۶۶). *اسباب‌بازی، آموزش و درمان*، تهران: واحد انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- عمید، حسن (۱۳۶۵). *فرهنگ عمید*، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- قاسم زاده، سیدمرتضی (۱۳۸۷). *الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد*، تهران: میزان.
- قاسم‌زاده، سیدمرتضی (۱۳۸۳). *مبانی مسئولیت مدنی*، تهران: میزان.

قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸
کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶). حقوق مدنی، الزام‌های خارج از قرارداد، ضمان قهری، تهران:
دانشگاه تهران.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۱). مسئولیت ناشی از عیب تولید، تهران: دانشگاه تهران.
مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، شماره استاندارد ایران ۲ - ۸۹۸۷، وسایل و
سواری‌های تفریحی (تجهیزات شهربازی) قسمت ۲: بهره برداری، تعمیر و نگهداری،
تجدید نظر اول.

مبین، حجت (۱۳۹۰). نظریه قابلیت استناد در مبانی مسئولیت مدنی، تهران: انتشارات امام
صادق(ع).

معیارهای اسباب‌بازی مناسب برای کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۴/۱۲/۹ شورای
نظارت بر اسباب‌بازی.

Consumer Protection the Toy (Safety) Regulation, 2011 no. 1881

European commission (enterprise and industry), *toy safety, ensuring children benefit from
the highest level of protection*

*Products Standards Toy Safety, Guidance Notes on the UK Toys (Safety) Regulations
1995, February 2000*

Tansey, Sonia. *Safety in Children's Services*, NCAC

*Toy Safety Directive 2009/48/EC, Technical document, Directorate General for Internal
Market, Industry, Entrepreneurship and SMEs, Version 1.5, 22/02/2016*

*U.S. Department of Commerce Industry Report Dolls, Toys, Games, and Children's
Vehicles NAICS Code 33993*